

یادداشت

مشارکت حداکثری

رادر انتخابات شورا هدف قرار داده‌اند؟



سید محمود میر لوجی

عضو شورای شهر تهران

زمانی که ما صاحب قانون اساسی شدیم، فقط ۴۰ کشور دنیا قانون اساسی داشتند. امام پس از ورود به کشور وسواس بسیاری روی این موضوع داشتند؛ به‌طوری که در همان سال اول انقلاب ما صاحب قانون اساسی شدیم. موضوع اساسی بعد از قانون اساسی، انتخابات بود. با اینکه نظرات استصوابی چیزی از قانون انتخابات باقی نگذاشته است اما ما جزو کشورهایی هستیم که انتخابات ما نسبت به بسیاری از کشورها راقبتی است.اگرچه سازوکار انتخاباتی براساس اصل ۵۶ یا فصل هفتم قانون شوراها و اینکه مردم سرنوشت خود را انتخاب کنند می توانست کامل تر و به‌روزتر شود اما همین قوانین موجود هم قابل توجه است. نظرات استصوابی در انتخابات شوراها تا پیش از این انتخابات اخیر نقشی نداشت. از دوره اول تا پنجم، انتخابات شوراها یا حضور دو جریان انجام شد و مانعی برای حضور آنها وجود نداشت. در انتخابات سال ۹۸ مجلس، ۲۳۰ کرسی انتخابات از ۲۹۰ کرسی غیر رقابتی بود و انتخابات با مشارکت پایین برگزار شد و نتیجه آن شد که یک جریان یکدست، از شاخه خود در انتخابات ۱۴۰۰ مشخص شوند.
خود را به انتخابات شوراها هم تعمیم دهند. این اولین بار است که رد صلاحیت‌های گسترده‌ای در انتخابات شوراها اتفاق می افتد، به‌طوری که بعد از اینکه هیات‌های اجرایی استعمال مراجع چهار گانه را گرفتند، یک‌رمه همه قلع و قمع شدند. مشخصا دو گروه بیش از دیگران کنار زده شدند؛ نخست، اعضای کنونی شوراهای شهر به ویژه شوراهای کلاشپورها و آنهایی که تابلوی اصلاح‌طلبی داشتند و دوم هم جوانان اصلاح‌طلبی که در شورا ایستند، اما سابقه اصلاح‌طلبی دارند.
ردصلاحیت‌های گسترده باعث شده در برخی شهرها، تعداد کاندیدایها به حد نصاب لازم برای بر گزارای انتخابات نرسد و افراد کافی در صحنه باقی نمانند. اینکه یک جناح به خود حق می دهد جناح رقیب خود را بنظر از صحنه حذف و مسیر را برای همفکران خود هموار کند، بدعت خطرناکی است که در گام اول مشترک است. حداکثری انتخابات را هدف قرار داده و به چالش کشیده است. با این روند ما شوراهایی خواهیم داشت که با رای پایین شروع به کار می کنند. تفاوت انتخابات شورای دوره دوم با انتخابات دوره پنجم این است که در انتخابات دوره دوم جمع آرای ۲۶ نفر، ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده، اما در انتخابات دوره پنجم اعضای شورای شهر روی هم ۲۶ میلیون و ۹۰۰ هزار رای کسب کرده‌اند. این تفاوت رای حدود ۲۴ میلیون در دو دوره انتخابات شورای شهر نشان می دهد. رای حدود ۲۷ میلیون دوره پنجم شورای شهر به شورا قدرت می دهد برای دفاع از حقوق مردم تمرکز شوند. اعضا با اینکه تیرگی رسمی نداشته و اغلب نهادها با آنها همکاری نمی کردند، به پشتوانه رای مردم توانستند تصمیم‌های مهمی بگیرند و بسیاری از اموال شهر و مردم را برگرداند. بافتشاری بر اجرای طرح تفصیلی، جلوگیری از نابودی باغ‌ها، بازپس گیری املاک و اموال شهر و تحقیق و تکمیر، از همه به پشتوانه رای مردم بوده است. اما شورایی که با ۳ میلیون رای با میانگین ۱۰۰ هزار رای برای هر کدام از اعضا تشکیل شده است، نفعی آن خود را امتیون جریانی می داند که او را بر سر کار آورده و اعضای آن اتفاقی است که در طول دوره‌های سوم و چهارم نیز دیده شد آنها کسانی بوده‌اند که با برخی از نهادها آمودشد داشته‌اند و ما شاهد واگذاری املاک، اانت، واقتفا‌های محرمانه چند هزار میلیاردی و تخلفات گسترده مالی و… در آن دوران بودیم. بنابراین ما محصور، بی‌مسئولگی در شورای مجلس در تائید صلاحیت کاندیدایها، آمدن رانتهی اعضای شورا، استفاده ابزاری و ممنوع کردن منع رقیب از حضور در صحنه انتخابات است.

دیدگاه

هدف ظریف از تور اروپایی

ادامه صفحه یک

در این بین جلسه اخیر اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یازدهم با وزیر امور خارجه پیرامون انتشار فایل صوتی و محتوای آن، که به توهین و تهدید علیه محمدجواد ظریف کشیده شد، عامل بسیار موثری در دوری گزیدن ظریف از فضای انتخاباتی بود. زمانی که مجتبی ذالنوری، رئیس کمیسیون امنیت ملی عنوان می داد در جلسه مذکور بیز سکنه قلبی ظریف به دلیل شدت توهین‌ها و خشا‌های مرقف، نشان می دهد ظریف بهترین راه و در حقیقت تنها راه را در انجام سفرهای دیپلماتیک دیده است. اینها علاوه بر آن است که از سوی اصلاح‌طلبان و مستقلین هم تلاش‌های جدی برای ورود محمدجواد ظریف به عرصه انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفت تا جایی که در نهایت جبهه اصلاح‌طلبان ایران ظریف را به عنوان گزینه نخست خود مطرح کردند. همین مساله سبب افزایش میزان حواشی و شانناژها علیه وزیر امور خارجه شد. در این شرایط طبیعی است که ظریف برای دوری گرفتن از فضای سیاسی وزدومن سیاست از چهره دیپلماسی، ضمن اعلام رسمی عدم‌حضورش در انتخابات ریاست جمهوری، با پیگیری سفرهای دیپلماتیک، حواشی را از دست‌رسانگ سیاست خارجی دور کند.
کما اینکه در پیام اینستاگرامی هفته گذشته‌اش هم به این موضوع پرداخت. نکته دیگر ناظر به اهمیت این سفر برای بازتعریف مناسبات ایران با اروپاست. به هر حال بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ و خروج وی از توافق هسته‌ای و بی‌نابالشی احیای تحریم‌ها و پیگیری سیاست فشار حداکثری، کشورهای اروپایی هم متاثر از این نگاه ایالات متحده آمریکا به مسیری کشیده شدند که با نخواستند یا عملا نتوانستند اقدام مثبت موثری در پیگیری مناسبات سیاسی، دیپلماتیک و به خصوص اقتصادی و تجاری با ایران داشته باشند. در این بین اگرچه اروپایی‌ها همواره سعی کرده‌اند با نقش میانجیگراییانه خود نوعی توازن را در تنش تهران و واشنگتن ایجاد کنند، اما در صحنه عمل با انفعال خود ذیل تعهداتی که در برجام پذیرفته بودند، مسیری را شکل داده‌اند که باعث سردی روابط ایران و اروپا شد. البته برخی اقدامات ایران مانند پیگیری گام‌های کاهش تعهدات برجامی و نیز تحقق برخی اقدامات به واسطه مصوبه مجلس موسوم به اقدام راهبردی، بر سردی روابط دو طرف افزوده است. بنابراین سفر محمدجواد ظریف به کشورهای اروپایی می تواند نقش جدی در بازتعریف روابط ایران و اروپا و گرم شدن مناسبات سرد کنونی داشته باشد؛ به‌خصوص با کابری کار آمدن جو بایدن، اکنون کاخ سفید برنامه‌ای جدی برای گسترش روابط خود با اروپایی‌ها در همه زمینه‌ها به ویژه در پرونده‌های مهمی مانند پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برجام دارد. بنابراین جادار دستگاسیاست خارجی به موازات تلاش آمریکا برای ایجاد یک فضای اجماع علیه ایران با پیگیری و تحرکات دیپلماتیک خود، مناسبات مناسب با اروپا را تعمیم بخشد تا عملا با یک اقدام پیش‌دستانه از اتحاد بیش از پیش اروپا با آمریکا علیه ایران جلوگیری کند.

داریوش قنبری در گفت و گویا «آرمان ملی»:

انتخابات ریاست جمهوری نهایتاد و قطبی می شود

◀ تجربه و تخصص جهانگیری می تواند افکار عمومی را اقناع کند

◀ جریان های سیاسی نسبت به لاریجانی بی تفاوت نیستند

◀ نباید رقابت درون گروهی اصولگرایان را نادیده گرفت

◀ احمدی نژاد بخشی از هویت جریان اصولگرایی است

عکس: آرمان ملی/فاطمه فتاحی

آرمان ملی – حمید شجاعی:
ثبت نام نامزدهای انتخابات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پایان یافت تا چهره هادی حاضر در انتخابات ۱۴۰۰ مشخص شوند. هر چند که اصل موضوع از ۵ خرداد و پس از اعلام تایید صلاحیت‌ها مشخص خواهد شد و به عبارت دیگر آرایش نیروهای سیاسی حاضر در انتخابات آن زمان شکل خواهد گرفت. آنچه مسلم است در حال حاضر انتخابات بر محور ۳ چهره پیش می‌رود. اسحاق جهانگیری که نمایندگی اصلاح‌طلبان را بر عهده دارد؛ علی لاریجانی که از سمت طیف مستقل و معتدل کاندیدای انتخابات شده و سید ابراهیم رئیسی که به رغم اینکه گفته مستقل نامیده اما اصولگرایان را نمایندگی می کند. با این حال هستند چهره‌هایی که هر کدام خود را صاحب صلاحیت برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری می دانند، اما جملگی را می توان از کاندیداهای پوششی نام‌دهای نامبرده قلمداد کرد. چنانکه گفته می شود افرادی چون مسعود پزشکیان، محمد شریعتمداری و محسن هاشمی احتمالاً کاندیدای پوششی جهانگیری خواهند شد و چهره‌هایی همچون زاکانی نیز رئیسی را پوشش می دهند. آنچه مسلم است اظهار نظر قطعی در خصوص شرایط حاکم بر انتخابات ۱۴۰۰ را باید به بعد از مشخص شدن تایید صلاحیت‌ها موکول کرد تا با کسب اطلاعات از چگونگی حضور چهره‌های راه یافته به مناظرات تحلیل دقیق‌تری از آن داد. برای بررسی کاندیداهای حاضر در انتخابات پیش رو، بحث کاندیدای پوششی و کنش سیاسی چهره‌هایی همچون اسحاق جهانگیری و علی لاریجانی در انتخابات «آرمان ملی» با داریوش قنبری فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده سابق مجلس به گفت و گو پرداخته است که می خوانید.

بسیار پایان یافتن ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری فضای حاکم بر جامعه و انتخابات را چگونه تبیین می کنید؟

یکی از مسائلی که در کشور ما وجود دارد این است که چون انتخابات به صورت حزبی برگزار نمی شود و وقتی حزب در مجموعه وجود نداشته باشد افراد به اعتبار شخصیت خود کاندیدا می شوند. اما این شخصیت به عقیه سیاسی و تفکرات و اندیشه‌های سیاسی آنها بی ربط نیست. آنچه که هست در کشور ما دو دیدگاه با هم رقابت می کنند؛ دیدگاه مبتنی بر اصولگرایی و دیدگاه مبتنی بر اصلاح‌طلبی و کاندیداهایی که با هم رقابت می کنند در قالب این دو دیدگاه می گنجند، البته یک دیدگاه سومی هم در سال‌های اخیر تحت عنوان دیدگاه اعتدالی فعالیت می کند که خودش به نوعی مکی اصلاح‌طلبانه است و نمی توان آن را یک جریان سوم در نظر گرفت. بنابراین افراد به اعتبار اندیشه‌ها و تفکرات سیاسی خود با یکدیگر رقابت می کنند و اتفاق می افتد که افراد همفکر کاندیدا می شوند که بعضی با نفع یکدیگر کنار بروند و با اینکه به نوعی تا پایان باقی مانده و به عنوان کاندیدای پوششی عمل کنند و در نهایت کنار بروند. لذا برخی اوقات زمان کنار رفتن‌ها بلافاصله بعد از تایید صلاحیت‌ها و در برخی اوقات نیز در دقیقه نود قبل از انتخابات است، البته برخی نیز به این امید کاندیدا می شوند که جایگاه و پستی در دولت همفکر داشته باشند. با این منطق تعدد کاندیداهایی که همفکر هستند قابل توجه است اما رقابت میان آنها به هیچ عنوان



قابل توجه نیست که بخواهند با هم رقابت کنند، چراکه معمولاً رقابت باید بین تفکرات و اندیشه‌های متفاوت و بعضاً متضاد باشد، بنابراین وقتی همه یک فکر و اندیشه دارند رقابت آنها معنا و مفهومی نخواهد داشت. این موضوع در جریان اصولگرا مشاهده می‌شود که خیلی‌ها فعالیت می‌کنند و کاندیدا هستند و به نوعی می‌شود گفت که در حد اینکه فقط ثبت نام کنند اعلام کاندیداتوری کرده‌اند و خودشان نیز باورشان نشده که کاندیدا هستند و آنطور که ما خبر می‌گیریم هنوز دفتر و دستگی را نپیداخته‌اند که در راستای کاندیداتوری اقداماتی را انجام دهند. مشخص است که بعضاً اینها کاندیداهایی هستند که پوششی به حساب می‌آیند و به دنبال این هستند که از کاندیدای مورد نظر خودشان حمایت کنند. به هر حال باید ببینیم که چه تعداد از کاندیداهایی که اکنون ثبت نام کردند از فیلتر نظارت شورای نگهبان عبور خواهند کرد و آن موقع می‌شود قضاوت درستی در این خصوص که کدام کاندیداهای اصلی و کدام کاندیداهای پوششی هستند ارائه داد. فعلاً تا نتیجه تایید صلاحیت‌ها بیرون نیاید چیزی مشخص نیست چون آنچه هست کاندیداتوری افراد زمانی اعتبار پیدا می‌کند که تایید صلاحیت شورای نگهبان را به دنبال داشته باشد. باید منتظر روزهای آینده بود که اتفاق نیفتد نمی‌توان در مورد آرایش سیاسی آرایش انتخاباتی جریان‌های سیاسی هم به صورت بهتر و کامل‌تری شکل خواهد گرفت.

چشم‌پوری در این دوره شاهد سوانمی ثبت نام تا سسوی چهره‌های سیاسی بودیم؛ از دیدگاه شما این روند کثرت ثبت‌نام‌ها از چه جهت بوده است؟

همانطوری که اشاره کردید شاهد افزایش تعداد ثبت‌نام‌ها در میان سیاسیون مطرح و برجسته هستیم. کسانی که سابقه حداقل نمایندگی مجلس، وزارت و پست‌های بالای سیاسی داشتند و جزء شخصیت‌های مطرح هستند. اما از لحاظ استقبال مردمی به نسبت گذشته تعداد کاندیداها کمتر است. یعنی در گذشته افراد ناشناخته به نسبت بیشتر از این تعداد ۵۹۰ نفری که الان حضور یافتند ثبت نام می کردند. هر چند که بسیاری از این ثبت نام کنندگان در قالب خاصی که شورای نگهبان معیار تعیین کرده می‌گنجند و باید منتظر ماند و دید که آیا همه اینها تایید صلاحیت می‌شوند یا خیر. شورای نگهبان یک مصوبه‌ای را که قانونی نیست دستورالعمل قرار داده است. حال اینکه شورای نگهبان شأن قانونگذاری ندارد و باید نظارت کند. شرایط داوطلبان در قانون اساسی یک شرایط حداقلی است مثل تابعیت ایرانی و سواد خواندن و نوشتن که روح دموکراسی را در قانون اساسی ما نشان می دهد. حال بگذریم که شورای نگهبان خود ضابطه‌ای تعیین کرده که خلاف قانون اساسی است و نهادی می‌کنند و اتفاق می‌افتد که افراد همفکر کاندیدا می‌شوند که بعضی با نفع یکدیگر کنار بروند و با اینکه به نوعی تا پایان باقی مانده و به عنوان کاندیدای پوششی عمل کنند و در نهایت کنار بروند. لذا برخی اوقات زمان کنار رفتن‌ها بلافاصله بعد از تایید صلاحیت‌ها و در برخی اوقات نیز در دقیقه نود قبل از انتخابات است، البته برخی نیز به این امید کاندیدا می‌شوند که جایگاه و پستی در دولت همفکر داشته باشند. با این منطق تعدد کاندیداهایی که همفکر هستند قابل توجه است اما رقابت میان آنها به هیچ عنوان



باید ببینیم که شورای نگهبان به تصمیم خود پایبند خواهد بود یا خیر. هر چند که فعلاً نمی‌شود قضاوت کرد و در کل با توجه به بعضی اظهارنظرهایی که از برخی اعضای شورای نگهبان می‌بینیم که کاندیداهای ۷ یا ۸ نفر اعلام کرده بودند از قبل مشخص نیست که بر اساس چه ضابطه‌ای تعداد کاندیداها باید ۷، ۸ نفر باشد. آیا در ارزیابی صلاحیت‌ها معیار نفر است یا آن ویژگی‌ها و شرایطی که حتی خود شورا اعلام کرده است؟ به همین جهت است که هنوز نمی‌توان اظهار نظری قطعی کرد. هر چند که شاید این اطمینان خاطر برای اصولگرایان وجود داشته باشد که کاندیداهای آنها کمتر رد صلاحیت می‌شوند، اما در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری اینگونه نیست.

◀ با توجه به چهره‌های شاخصی که در انتخابات پیش رو ثبت نام کرده‌اند فکر می‌کنید رقابت اصلی میان چه کسانی شکل بگیرد؟

به نظر من انتخابات ریاست جمهوری همیشه یک حالت دو قطبی دارد و در ادامه مشخص خواهد شد که این دو قطب انتخابات چه کسانی خواهند بود. باید منتظر ماند که اول چه تعدادی از افراد از فیلتر شورای نگهبان رد می‌شوند و پس از آن آرایش جریانات سیاسی شکل خواهد گرفت و تا این اتفاق نیفتد نمی‌توان در مورد آرایش سیاسی در انتخابات پیش رو اظهار نظر قطعی کرد. **بخش قابل توجهی از کاندیداهای انتخابات را چهره‌های اصولگرا تشکیل می‌دهند و همین مساله باعث شده که بسیاری این فرسینه را مطرح کنند که اصولگرایان با چند کاندیدای پوششی وارد میدان انتخابات خواهند شد؛ ارزیابی شما از این مساله چگونه است؟** قطعاً برخی آمده‌اند که از فرصت مناسب‌ها استفاده کنند. قالبیابا تا آخر در حمایت و پوشش از رئیسی عمل کرد و در نهایت نیز به نفع او کناره گیری کرد. به نظر نمی‌رسد اصولگرایی که در انتخابات ثبت نام کرده‌اند قصد رقابت با آقای رئیسی را داشته باشند و در کل به نفع وی ثبت نام کرده‌اند که فرصتی را برای آقای رئیسی ایجاد کنند. جریان اصولگرا در این دوره متحد و منسجم پشت آقای رئیسی ایستاده و انتظار طیف تند و افراطی آنها نیز این است که مشارکت مردم نیز چندان وسیع و گسترده نباشد. چون تجربه ثابت کرده در یک مشارکت وسیع و گسترده در مجموع اصولگراها شانس‌ی برای موفقیت و پیروزی ندارد و دغدغه مشارکت مردم نیز برای طیف تند و افراطی یک دغدغه معقولی نبوده و نیست. البته باید این را هم بگویم که رقابت‌های درون گروهی جریان اصولگرا را هم نباید از نظر دور داشت. گرچه اصولگرایان در ظاهر انسجام بالایی دارند اما رقابت‌های قابل توجهی نیز در این جریان وجود دارد. چنانکه برخی از کاندیداهای این راحتی به نفع دیگری کنار رفته یا از دیگری حمایت نمی‌کنند و عزم خود را جزم کرده‌اند که به صورت مستقل باقی بمانند. مثلاً فردی مثل آقای محسن رضایی همیشه سعی کرده به عنوان شخصی مستقل وارد انتخابات شود. هر چه برخی از تحلیلگران وی را در جریان اصولگرا تعریف می‌کنند اما آقای رضایی یک استقلالی هم از جریان اصولگرایی داشته و به آن معنا مثل برخی کاندیداها در بست در اختیار یک جریان سیاسی نبوده است. بنابراین اصولگرایان هر چند که تلاش می‌کنند تا وحدت خود را حفظ کنند باز هم به

«آرمان ملی» از آخرین اظهار نظرهای نامزدهای انتخاباتی گزارش می‌دهد

نامزدها پشت میکروفن رفتند

◀ می توانم گفت ملی را پیگیری کنیم

شمس‌الدین حسینی دیگر نامزد انتخابات ریاست جمهوری نیز اینگونه وعده می دهد: «با توجه به اینکه سالها خودم عضو مجمع صاحب سهم بانک جهانی و رئیس شورای اقتصاد دارایی اکو و باز عضو مجمع صاحبان سهم گروه بانک توسعه اسلامی بودم با نهادهای و سازمانهای ملی و بین‌المللی آشنا هستم. بیش از ۲۰ سال پیش هماهنگ کننده برنامه‌ای به نام سازمان ملل متحد در سازمان برنامه و بودجه بودم لذا با یک تعامل هوشمندانه و عزتمندانه و منافع ملت ایران را پیگیری می‌کنم.» حسینی عضو کمیسیون بودجه مجلس یازدهم نیز هست.

◀ برائت از بهار

روز گذشته رستم قاسمی نامزد انتخابات ریاست جمهوری، نیز در کلاب هاسوس به پرسش و پاسخ مشغول شد و ضمن اعلام برائت از محمود احمدی‌نژاد به دلیل تصدی وزارت نفت دولت او گفت: «در همه مسئولیت‌ها از متخصصان وزارت نفت استفاده کردم. ست برخی مدیران شرکت‌های بزرگ نفت می‌گفتند فلانی در ستاد آقای موسوی بوده است. من می‌گفتم پرونده اینها را بررسی کنند تا ببینند مشکل مالی دارد یا نه، که برعکس این افراد بسیار سالم بودند صرف‌نگاه سیاسی‌شان من متفاوت بود.»

فرارو

شورای نگهبان ثبت‌نام‌شده‌های

وزارت کشور را قبول نکرد

تنها حدود ۴۰ نفر

ثبت‌نام‌شده به حساب می‌آیند

آرمان ملی – امید کاجیان:
مصوبه شورای نگهبان در مورد انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک چالش حقوقی جدی همچنان مطرح است. بسیاری معتقدند این عمل شورا به منزله قانون گذاری است که خارج از حیطه نظارتی شورای نگهبان است. اما خود این نهاد با اصرار به اینکه در حیطه وظایفش می‌توانسته دست به این کار بزند بر اقدامش تاکید کرده و مصوبه را لازم‌الاجرا می‌داند و وزارت کشور را ملزم به رعایت آنها در زمان ثبت‌نام کاندیداها دانسته است. این در حالی است که وزارت کشور عملاً باید از رئیس‌جمهور در این زمینه دستور بگیرد؛ رئیس‌جمهوری که مشخصاً اقدام شورای نگهبان را غیرمنطبق با قانون اساسی دانسته و در کنار معاونت حقوقی خود از وزارت کشور خواسته مطابق گذشته، نسبت به ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات ریاست‌جمهوری اقدام کند.

رئیس‌جمهور حسن روحانی، مصوبه شورا را رد کرده، اما بلافاصله کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان بیان داشته تنها همان‌هایی که مطابق با مصوبه عمل کنند را جزو ثبت‌نام‌کنندگان در وزارت کشور به حساب می‌آورد. در چنین شرایطی در حالی که وزارت کشور با توجه به رد این اقدام شورا از سوی رئیس‌جمهور و خلاف قانون دانستن آن، به ثبت‌نام کاندیداها می‌پرداخت و خبر از ثبت‌نام چند صد نفر در این انتخابات داده بود، حالا کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان اعلام می‌کند از دید شورا تنها حدود ۴۰ نفر ثبت‌نام شده به حساب می‌آیند(و) و قرار است بررسی تاییدصلاحیت‌ها تنها از بین این تعداد انجام شود. کدخدایی، در مورد تعداد افرادی که در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کرده‌اند گفت: من آمار دقیق تر را اعلام می‌کنم اما فکر می‌کنم چیزی حدود ۲۰ نفر طبق مصوبه شورای نگهبان مدارک خود را به وزارت کشور داده‌اند. وی افزود: طبیعتاً آنچه برای ما اعتبار دارد همان شرایطی است که از سوی شورای نگهبان ارسال شده است؛ یعنی بقیه افرادی که مدارک اعلامی را تحویل نداده‌اند اصلاً بررسی نمی‌کنیم، چون آن ثبت‌نام را به رسمیت نمی‌شناسیم؛ موضعی که اساساً بار دیگر بر کلام یکن تلقی کردن فرمان حسن روحانی تاکید دارد و این یعنی بدعتی که به عقیده بسیاری نباید اتفاق می‌افتاد. بدعتی که از انتخابات امسال کلید خورده و قرار است تا آخر باقی بماند.

◀ پیچیده‌تر زمانی است که ...

در این شرایط اما اظهارات دیگری نیز از سوی کدخدایی بر پیچیده‌تر شدن مشکلات در این مسیر می‌آفزاید. او درباره موضوع ردصلاحیت‌ها بیان کرده است که در انتخابات ریاست‌جمهوری طبق قانون، ردصلاحیت نداریم، احراز صلاحیت داریم. ما نسبت به افرادی که صلاحیت نداشته باشند هیچ‌گونه اظهار ظری نمی‌کنیم و دلایل آن نیز به افراد گفته نمی‌شود؛ اظهاراتی که بار دیگر تناقض‌ها مطرح می‌سازد و باعث به‌وجود آمدن پرسش‌های فراوانی در این زمینه می‌شود. موضوع عدم احراز صلاحیت و نه ردصلاحیت از جمله عباراتی است که شاید آن را برخی عبارت خوبی برای توجیه حذف گزینه‌های ریاست‌جمهوری می‌دانند. در حالی که خود واژه احراز صلاحیت به معنای محرز شدن صلاحیت، یک عبارت تضمینی است. اما «ردصلاحیت نشدن» یک فرد این بار تضمین را ندارد. از سویی این سوال وجود دارد که این محرز شدن بر چه اساسی است؟ ما به پیش از دیدن مملکرد یک فرد در مقام ریاست جمهوری و بر چه مبنایی چنین تضمینی داده می‌شود؟ اگر این‌طور است پس چگونه می‌توان وقایع مختلف انتخاباتی را که در زمان‌های گذشته روی داده است، توجیه کرد؟ مگر صلاحیت آن نامزد محرز نشده بود؟ مطلبی که نشان می‌دهد نمی‌توان صلاحیت کسی را محرز دانست. من بهتر آن نیست که به‌جای این عبارت همان «ردصلاحیت» یا «عدم صلاحیت» یک فرد مدنظر قرار بگیرد؟ و با توجه به اختلاف «ملاک بر بی‌گناهی افراد است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» بهتر نیست اگر تأیید از سوی مراجع چهارگانه موردی نداشت او را تایید کنند، به جای اینکه بخواهند صلاحیت کسی را محرز بدانند؟ از سویی این بخش از اظهارات کدخدایی نیز قابل تأمل است که می‌گوید در مورد افرادی که صلاحیت‌شان تایید نشده دلیلی به آنها گفته نمی‌شود – هر چند در گذشته بعضاً بیان می‌شد که دلایل به خود نامزدها گفته می‌شود– امروز صریحاً سخنگوی شورای نگهبان از این موضوع می‌گوید که دلایل صلاحیت‌نشدن‌ها به افراد گفته نمی‌شود. قطعاً این مساله این سوال را ایجاد می‌کند که چرا نامزد تاییدصلاحیت‌نشده این حق را ندارد که بداند بر چه مبنای چه اصولی به او اجازه حضور در نامزدی ریاست‌جمهوری را نداده‌اند؟ به‌خصوص که در یکی از بندهای مصوبه اخیر صراحتاً شورای نگهبان این اجازه را به خود می‌دهد در مورد برخی از همان بندهای مصوبه بنا به تشخیص خود عمل کند. در این صورت دیگر نقش مسائلی مثل مراجع چهار گانه و... چه خواهد بود؟ تاکید شورای نگهبان بر مصوبه خود و عملاً عدم توجه به دستور رئیس‌جمهور در مورد ثبت‌نام‌کنندگان انتخابات و اظهارنظرهایی صریح مثل اینکه دلایل ردصلاحیت‌ها به افراد گفته نمی‌شود همه و همه آینده انتخابات در ایران را با برپش‌های بیشتر و نگران‌کننده‌تری مواجه می‌کند.